

تأثیر نوسازی و رشد اقتصادی بر سیاستگذاری پدافند غیرعامل

دکتر عباس مصلی‌نژاد^۱

چکیده

سیاستگذاری پدافند غیر عامل تابعی از شکل‌بندی‌های اقتصادی و ضرورت‌های ساختاری در نظام سیاسی تلقی می‌شود. کشورهایی که روند رشد اقتصادی و نوسازی را طی می‌نمایند، از قابلیت‌های لازم برای سازماندهی پدافند غیرعامل برخوردارند. این امر نشان می‌دهد که نوسازی و رشد اقتصادی آثار خود را در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، ساختاری و راهبردی بجا می‌گذارد. تا کنون ادبیات پدافند غیرعامل در متون استراتژیک مورد بررسی قرار گرفته است. در این مقاله تلاش می‌شود تا سیاستگذاری پدافند غیرعامل در جمهوری اسلامی ایران براساس فرایندهای نوسازی و رشد اقتصادی مورد بررسی قرار گیرد. سیاستگذاری پدافند غیرعامل برای شرایط صلح، بحران و منازعه اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. در هریک از دوران‌های یاد شده، سازماندهی و اجرای شکل خاصی از پدافند غیرعامل مورد توجه و تاکید قرار می‌گیرد. از آنجایی که روندهای نوسازی می‌تواند بر چگونگی و جهت‌گیری دفاعی ایران تأثیرگذار باشد، چنین مقوله‌ای آثار خود را در حوزه پدافند غیرعامل نیز بجا می‌گذارد. یکی از راهکارهای تدوین راهبرد دفاعی و امنیتی کشورها از جمله جمهوری اسلامی ایران را می‌توان قدرت‌سازی در حوزه بازدارنده، تدافعی و پدافند غیرعامل دانست. هریک از سه مؤلفه یاد شده به عنوان پیامد اجتناب‌ناپذیری از روند نوسازی و توسعه اقتصادی تلقی می‌گردد. در این مقاله تلاش می‌شود تا آثار سیاست رشد اقتصادی در دوران پس از دفاع مقدس بر فرایندهای راهبردی از جمله پدافند غیر عامل مورد توجه قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: نوسازی، رشد اقتصادی، توسعه ساختاری، سیاستگذاری پدافند غیرعامل، شریان‌های حیاتی مقاومت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۲/۳/۱۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۱۱/۱۰

مقدمه

رشد اقتصادی در کشورهای مختلف به عنوان یکی از عوامل متنوع شدن راهبردهای دفاعی محسوب می‌گردد. سیاستگذاری پدافند غیرعامل با هدف جلوگیری از وارد شدن صدمات جانی و خسارات مالی و یا به حداقل رسانیدن صدمات و خسارات ناشی از حملات زمینی، دریایی، هوایی و موشکی دشمن انجام می‌گیرد. پدافند غیرعامل به عنوان پشتوانه‌ی راهبردی کشورها و نیروهای مقاومت در شرایط تهدید محسوب می‌شود. در فرایند پدافند غیرعامل بدون بکارگیری هرگونه جنگ افزار و مهمات، طیف وسیعی از اقدامات برای کاهش تهدیدات انجام می‌گیرد.

نوسازی و توسعه اقتصادی در ایران از سال ۱۳۶۸ آغاز گردید. در این دوران روندهای جدیدی از برنامه‌ریزی راهبردی در دستور کار قرار گرفت. تاریخ جنگ‌های گذشته نشان داده است که صرفاً کشورهایی از قابلیت لازم برای مقابله با تهدیدات برخوردار هستند که از پشتوانه‌ی اجتماعی، صنعتی و پدافندی موثر استفاده نمایند. پشتوانه پدافندی، شامل دو حوزه‌ی عامل و غیرعامل می‌گردد. بهره‌گیری از پدافند غیرعامل میزان اراده‌ی کشور برای مقابله با تهدیدات را فراهم می‌سازد. کشورهایی که از سیاست دفاعی تهدید متقابل استفاده می‌کنند باید از آمادگی لازم برای حراست از پشتوانه‌های استراتژیک خود برخوردار باشند.

حمایت از موجودیت و بقای صنایع، تأسیسات دفاعی و نیروی انسانی را می‌توان در زمره عواملی دانست که زمینه‌های ارتقاء توان دفاعی در طولانی مدت را از طریق سیاستگذاری پدافند غیرعامل فراهم می‌سازد. هزینه‌های پدافند غیرعامل در مقایسه با هزینه‌های دفاعی و هزینه‌های ناشی از اقدامات آفندی دشمن بسیار محدود می‌باشد. تجربه کشورهای مختلف در سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی نشان می‌دهد که به هر میزان توجه بیشتری نسبت به سیاستگذاری پدافند غیرعامل انجام شود، اراده‌ی عمومی جامعه برای مقابله با تهدیدات نیز افزایش بیشتری پیدا خواهد کرد.

فرایندهای تحول در ساختار اقتصادی ایران را باید به عنوان بخشی از پشتوانه راهبردی دانست. کشورهایی که در معرض قدرت-ساز قرار می‌گیرند، نیاز بیشتری به سازوکارهای راهبردی احساس می‌کنند. در شرایط تهدیدات امنیتی و راهبردی، ضرورت بهره‌گیری از سیاستگذاری دفاع غیرعامل به عنوان اصلی‌ترین رویکرد بازدارنده در برابر تهدیدات دشمن تلقی می‌شود. اجرای درصد بالایی از ضرورت‌های پدافند غیرعامل به سهولت و با صرف هزینه‌ی کم امکان پذیر خواهد بود. فقط بخش‌هایی از آن مستلزم صرف هزینه‌های نسبتاً زیاد است. با توجه به تغییر ماهیت جنگ، تجربه جنگ‌های آمریکا در افغانستان، عراق، بوسنی و کوزوو نشان می‌دهد که نیروی نظامی ایالات متحده از انجام اقدامات پر شدت همانند حمله هوایی - موشکی وسیع استفاده می‌کند. در چنین شرایطی، ضرورت‌های رشد اقتصادی و تحول راهبردی ایران ایجاب می‌نماید که فرایندهای معطوف به سیاستگذاری پدافند غیرعامل سازماندهی گردد.

بهره‌گیری از شکل‌بندی‌های قدرت ملی در شرایطی امکان‌پذیر است که سیاستگذاری پدافند غیرعامل برای مقابله با تهدیدات احتمالی سازماندهی گردد. مزیت نسبی ارتش ایالات متحده برای مقابله با تهدیدات را باید بهره‌گیری از نیروهای موشکی و هوایی دانست. اقدامات پرحجم سیستم موشکی و هوایی ایالات متحده برای به حداقل رساندن توان مقاومت کشورها در شرایط بعد از آغاز حمله زمینی انجام می‌گیرد. هواپیماهای شناسایی آر. کیو. ۱۷۰ که متعلق به سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا می‌باشد، شناسایی نقاط حساس برای کسب اطلاعات جهت آمادگی برای هدف‌گیری گسترده‌ی تأسیسات را عهده‌دار می‌باشد.

با توجه به این که چنین نهادهایی مأموریت خود را از دهه ۱۳۷۰ آغاز نموده‌اند، بنابراین می‌توان به این جمع‌بندی رسید که ضرورت سیاستگذاری و سازماندهی پدافند غیرعامل حتی در شرایط صلح اجتناب ناپذیر می‌باشد. از سوی دیگر باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که تهدید متقابل زمانی می‌تواند مطلوبیت و کارآمدی لازم را داشته باشد که زمینه‌ی حفاظت از قابلیت‌های اجتماعی و دستاوردهای تکنولوژیک در دوران جنگ‌های تهاجمی دشمن به وجود آید. از آنجایی که توسعه پایدار نیازمند سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف راهبردی و اقتصادی می‌باشد، بنابراین هدف اصلی این مقاله را می‌توان تبیین فرایند

سیاستگذاری پدافند غیرعامل در تداوم روند نوسازی اقتصادی دانست. در چنین شرایطی لازم است تا الگوهای قدرت سازی براساس مدل چند بعدی مورد توجه و آزمون قرار گیرد. در شرایط تهدید متقابل، شدت تهدیدات گسترده می‌باشد. بنابراین اشکال مختلفی از تهدید فراروی شهروندان، تأسیسات دولتی و نهادهای نظامی وجود دارد. حفاظت از تأسیسات اقتصادی و اجتماعی را می‌توان به عنوان اصلی‌ترین ضرورت توسعه پایدار از طریق سیاستگذاری اقتصادی دانست.

ایجاد رابطه بین فرایندهای رشد اقتصادی، نوسازی و پدافند غیرعامل یکی از ضرورت‌های راهبردی در ایران محسوب می‌گردد. از آنجایی که این پژوهش معطوف به چگونگی مقابله با اقدامات پدافند و تهدیدات جهان غرب و برخی از کشورهای منطقه‌ای در برخورد با جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود، از این رو استراتژی ایران نیز معطوف به انجام تهدیدات متقابل است. تهدیدات متقابل زمانی از کارآمدی برخوردار است که زمینه‌های پدافند غیرعامل برای مقابله غیرمستقیم با تهدیدات فراهم گردد. بنابراین می‌توان این پرسش را مطرح نمود: «فرایندهای رشد اقتصادی و توسعه در ایران چه تأثیری بر سیاستگذاری پدافند غیرعامل به جا می‌گذارد؟»

فرضیه پژوهش

از آنجایی که این مقاله، رابطه بین رشد اقتصادی، توسعه و سیاستگذاری پدافند غیرعامل را مورد بررسی قرار می‌دهد، بنابراین می‌توان فرضیه مقاله را براساس «الگوی پدافند متوازن» تبیین نمود. چنین الگویی بخشی از ضرورت‌های توسعه پایدار محسوب می‌گردد. با توجه به چنین مفاهیمی می‌توان فرضیه اصلی پژوهش را به شرح ذیل بیان نمود:

«ضرورت‌های توسعه پایدار در ایران ایجاب می‌کند که بخشی از رشد اقتصادی معطوف به سازماندهی فرایندهای پدافند غیرعامل گردد. در چنین شرایطی است که زمینه برای سازماندهی الگوی پدافند متوازن ایجاد می‌گردد.»

رابطه توسعه پایدار و پدافند غیرعامل

توسعه پایدار در زمره ضرورت‌های کنترل محیط‌های اجتماعی با فرایندهای امنیتی و راهبردی محسوب می‌گردد. کشورهایی که از رشد اقتصادی بیشتری برخوردار می‌شوند نیاز فراگیرتری به ضرورت‌های پدافند غیرعامل پیدا می‌نمایند. این امر بخشی از پیوند توسعه، رشد اقتصادی و پدافند غیرعامل محسوب می‌شود. انسان‌ها در دوران‌های تاریخی گذشته همواره در جنگ بسر می‌برده است. این گونه جنگ‌ها نشانه تلاش کشورهای ایجابی بوده است که درصدد برهم زدن موازنه قدرت بوده‌اند. تاریخ سرزمینی ایران نیز نشان می‌دهد که فرایند شکست ساختار نظامی به موازات کاهش حوزه سرزمینی انجام گرفته است.

یکی از سازوکارهای مؤثر در روند مقابله با تهدیدات را باید کنترل سازوکارهای امنیت سازی دانست. در قرن ۱۹، در حدود ۵۰ درصد از سرزمین جغرافیایی ایران براساس قراردادهای گلستان و ترکمن‌چای جدا شد. هیچ نهاد بین‌المللی در برابر الگوی توسعه سرزمینی قدرت‌های بزرگ و محدودسازی امنیت ملی ایران واکنشی نشان نداد. اگرچه بازیگران تغییر می‌یابند اما تاریخ همواره به گونه‌ای مشابه تکرار می‌شود. کشورهایی که از زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی مناسبی برای مقابله با تهدیدات برخوردار باشند، طبیعی به نظر می‌رسد که از قابلیت بیشتری برای حراست از نهادهای اقتصادی و راهبردی خود خواهند داشت (اصغریان جدی، ۱۳۸۶: ۴۷).

جنگ همواره ماهیت تراژیک دارد. مخاطرات زیادی را برای امنیت ملی و آرامش گروه‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. جنگ‌ها عموماً ماهیت ناعادلانه دارند، اما باید تاکید داشت که جنگ چه عادلانه و چه ناعادلانه همواره برای ایران پرمخاطره بوده است. کشوری همچون ایران با داشتن منابع فراوان نفت و گاز و با توجه به اینکه در شاهراه ارتباطی آسیا قرار دارد، در شرایط منازعه و جنگ با مخاطرات امنیتی قابل توجهی روبرو می‌شود. یکی از دلایل جنگ علیه ایران را می‌توان قابلیت‌های ژئوپلیتیکی این کشور دانست

(*Proceedings of the Fourth International Symposium on the Interaction of Non-Nuclear Monitions, 1989: 12*)

کشورهایی که دارای موقعیت ژئوپلیتیک و مهمی هستند، عموماً در شرایط تهدید قرار می‌گیرند. بنابراین می‌توان تاکید داشت که جنگ و منازعه بدون توجه به نتیجه آن، همواره هزینه‌های اجتماعی و انسانی زیادی را به وجود می‌آورد. بنابراین طبیعی است که بتوان این موضوع را مورد تاکید قرار داد که پدافند غیرعامل به موازات قدرت نظامی نقش موثری در شکل‌بندی قدرت و فرایندهای امنیت‌سازی بازی می‌کند. در نتیجه باید آنچنان خود را در این زمینه‌ها قوی کنیم که فکر حمله و یا گزینه‌های دیگری از تهدید نظامی کمتر مورد توجه قرار گیرد. سازماندهی دفاع غیرعامل در زمره چنین ضرورت‌هایی برای ارتقاء قابلیت‌های دفاعی ایران در برابر تهدیدات محسوب می‌شود (امیری، ۱۳۹۰: ۲۷).

حوزه‌های پدافند غیرعامل در هر کشوری متفاوت با سایر کشورها و حوزه‌های جغرافیایی است. تعیین حوزه‌های پدافند غیرعامل را می‌توان براساس قابلیت‌های راهبردی و مزیت نسبی هر کشوری مورد توجه قرار داد. به عبارت دیگر، در فرایند جنگ‌های نامتقارن نیاز قابل توجهی به درک توانمندی‌های استراتژیک در هر کشوری وجود دارد. ماهیت نبرد نامتقارن آن است که نقاط قدرت و قوت یک بازیگر با نقاط ضعف و آسیب‌پذیری بازیگر رقیب با یکدیگر متقارن می‌شود. بنابراین درک حوزه‌های پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران می‌تواند اولین گام برای ارتقاء مطلوبیت ایران در اجرای سیاست تهدید متقابل محسوب شود.

نقش توسعه اقتصادی و صنعتی در سیاستگذاری پدافند غیرعامل

یکی از شاخص‌های پدافند غیرعامل را می‌توان اهمیت و مطلوبیت تأسیسات اجتماعی، صنعتی و اقتصادی برای ایران دانست. هرگونه تهدید آمریکا و یا تهدیدات ترکیبی که با همکاری یک یا چند کشور منطقه‌ای انجام می‌گیرد معطوف به انهدام تأسیسات حیاتی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. بنابراین طبیعی است که حوزه عملیاتی دشمن علیه تأسیسات حیاتی ایران نیز مورد شناسایی قرار گیرد. انجام اقدامات در شروع و طول درگیری به تأسیسات حیاتی، حساس و مهم نظامی، غیرنظامی و حتی نقاط مسکونی، اداری، تجاری، آموزشی و مراکز حفظ و نگهداری اسناد ملی و میراث فرهنگی به عنوان یکی از نشانه‌های تهدید نیروهای دشمن در شرایط جنگی محسوب می‌شود (Balakrishnan, S, Elwi, A. E, and Murray, D. W, 1988: 33).

با توجه به شرایط متنوع جغرافیایی، قابلیت‌های ژئوپلیتیکی، وسعت جغرافیایی ایران و گستردگی نقاط مذکور، حفاظت کلیه این مناطق در مقابل حملات هوایی - موشکی با اختصاص جنگ افزار و به عبارتی تامین پدافند هوایی عامل در سراسر کشور در کلیه ارتفاعات بطور همزمان، به سهولت میسر نمی‌باشد. در شرایط موجود کشورهای هممانند اسرائیل و عربستان به لحاظ قدرت نیروی هوایی در مقایسه با ایران از مزیت نسبی قابل توجهی برخوردارند. همکاری و یا عدم همکاری کشورهای یاد شده با آمریکا در شرایط تهدید نظامی، می‌تواند خسارات قابل توجهی را برای مناطق حیاتی و نقاط ثقل ژئوپلیتیکی ایران به وجود آورد (لیتکوهی، ۱۳۹۰: ۱۱۱).

برآورد چگونگی عملیات نظامی آمریکا علیه حکومت عراق و صربستان نشان می‌دهد که از جمله اهداف ایالات متحده و یا هر دشمن دیگری که از مزیت نسبی نیروی هوایی برخوردار است، نشانه‌گیری مخزن‌های سوخت، تأسیسات پدافندی و مجموعه‌هایی است که در روند مقابله با دشمن به اقدامات متقابل، کنش پدافندی و یا عملیات نامتقارن مبادرت می‌نمایند. به طور مثال، در جنگ ۳۳ روزه لبنان، اسرائیل درصدد برآمد تا در روزهای اول عملیات خود، انهدام مخازن سوخت و آب در جنوب لبنان را به مرحله اجرا رساند.

در روند جنگ اسرائیل علیه حزب‌الله در سال ۲۰۰۶، مهمترین حمله دشمن را می‌توان هدف‌گیری مخازن سوخت و نیروگاهی دانست. این اقدامات منجر به ورود مواد نفتی به داخل دریا شد. در زمانی که کشورها درصدد انجام عملیات نظامی برای تضعیف و یا انهدام کشور رقیب می‌باشند، هیچ‌گونه توجهی نسبت به موضوعات و مشکلات زیست محیطی ندارند. مهمترین هدف آنان پیروزی سریع در جنگ و محدودسازی قابلیت‌های آفندی و پدافندی کشور رقیب می‌باشد (مجتهدزاده، ۱۳۸۶: ۱۲۷).

نقش زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی در سیاستگذاری پدافند غیرعامل

با توجه به اینکه مخازن، منبعی برای ذخیره نیازهای اساسی مردم هست، لذا پدافند غیرعامل و نگرش مدیریت بحرانی در ساخت و بهره برداری مخازن از اهمیت بالایی برخوردار است. علاوه بر مخازن، ضرورت‌های حفاظت از تأسیسات صنعتی و نظامی در شرایط تهدید اجتناب‌ناپذیر و ضروری است. حوادث مربوط به تخریب تأسیسات هسته‌ای در نظنز و بوشهر، تخریب تأسیسات موشکی در ملارد نشان می‌دهد که ضرورت سازماندهی دفاع غیرعامل و الگوهای پدافند مبتنی بر عامل، نه تنها در حوزه‌های نظامی و عملیاتی وجود دارد بلکه هر یک از تأسیساتی که مبادرت به تولید قدرت ملی برای ایران می‌نماید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

اینگونه تأسیسات عموماً در معرض شناسایی، هدفگیری و مقابله نظامی می‌باشد. ممکن است الگوی مورد استفاده دشمن بهره‌گیری از ابزارهای نظامی و یا جنگ سایبرنتیک همانند استفاده از ویروس استاکس نت و دوکو باشد. لازم به توضیح است که ضرورت انجام اقدامات حفاظتی، پدافندی و همچنین سازماندهی شرایط مربوط به پدافند غیرعامل در مقابله با تهدیدات ناشی از جنگ سایبرنتیک بیش از عملیات متعارف دشمن برای انهدام مراکز ثقل نظامی و اقتصادی می‌باشد (موحدی‌نیا، ۱۳۸۸: ۴۹).

پدافند غیرعامل در سند توسعه اقتصادی ایران

هر گونه راهبردی دفاعی، نیازمند بهره‌گیری از سند پایه‌ای می‌باشد. سند پایه‌ای در حوزه دفاع و امنیت ملی ایران مربوط به شرایطی است که به موجب آن، سازمانها و مراکز عمومی کشور بتوانند قابلیت‌های خود را در جهت افزایش اقتدار ملی به کار گیرند. براساس چنین رویکردی، سند امور مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی در حوزه پدافند غیرعامل به عنوان سند راهبردی مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی محسوب می‌شود. اجزاء و عناصر تشکیل دهنده این گونه اسناد مربوط به دفاع از تأسیسات در شرایط تهدید می‌باشد (Clough, R. W. and Penzien, J, 2005: 191).

کلیات مستندات سند جامع پدافند غیرعامل به عنوان مبانی طراحی سند جامع جهت‌گیری کلان حوزه مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی محسوب می‌شود. چنین قابلیت و استناداتی را می‌توان به عنوان بخشی از ضرورت‌های راهبردی هر کشور دانست. عموماً این گونه اسناد توسط عالی‌ترین مقامات و مراکز راهبردی کشورها تبیین و ابلاغ می‌شود. به همین دلیل است که سند پایه پدافند غیرعامل را می‌توان در زمره اسناد بالادستی در حوزه دفاع و امنیت دانست.

به طور کلی، مشخصات کلی سند جامع فرآیند تدوین سند جامع سند آموزش تخصصی در مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی به عنوان محور اصلی سند پایه پدافند غیرعامل محسوب می‌شود. این مجموعه از راهبردهای دفاعی - امنیتی در شرایط جنگی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. بنابراین سند آموزش همگانی در مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی در شرایط جنگی به عنوان سند پژوهش در مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی در تمامی کشورهایی که گرفتار تهدید امنیتی هستند، محسوب می‌شود.

سند راهبردی پدافند غیرعامل در روند توسعه پایدار

سازمان پدافند غیرعامل دارای اهداف راهبردی می‌باشد. اهداف راهبردی در سند راهبردی تبیین گردیده است. به طور کلی، می‌توان این موضوع را مورد توجه قرار داد که هرگونه رفتار سازمان‌های اجرایی تابعی از اهداف سند راهبردی می‌باشد. به این ترتیب اهداف عمومی سند راهبردی سازمان پدافند غیرعامل جمهوری اسلامی ایران را می‌توان به عنوان مجموعه مقاصد و منظورهایی دانست که در جریان برنامه‌ریزی و برای تحقق مأموریت پیش‌بینی می‌شوند.

لازم به توضیح است که تحقق چنین اهدافی در شرایطی امکان‌پذیر است که عملیات اجرایی برنامه در جهت نیل به آن مقاصد تنظیم گردد. اهداف بلند مدت در سند راهبردی دفاع غیرعامل براساس تهدیدات احتمالی مورد توجه قرار می‌گیرد. علاوه بر آن براساس ساختار عمومی دفاع ملی ایران، همواره جلوه‌هایی از برنامه‌ریزی راهبردی در قالب سند ۵ ساله به انجام می‌رسد. موضوع

مربوط به چگونگی سازماندهی دفاع غیرعامل و فرایندهای مربوط به آن در سندهای جنبی براساس اولویت‌های عمومی برنامه‌های ۵ ساله توسعه و همچنین سند چشم‌انداز مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

به طور کلی برآورد تهدید و آینده پژوهی در قالب مدل ۵ ساله بیشترین مطلوبیت راهبردی برای کشورها را به وجود می‌آورد. بنابراین در این سند، اهداف راهبردی معطوف به فعالیتها و نتایجی است که در یک دوره ۵ ساله تعقیب می‌شود. علاوه بر، چگونگی تنظیم سند راهبردی پدافند غیرعامل در برنامه‌های ۵ ساله توسعه، هر سازمان اجرایی باید خود را با ضرورت‌ها و اهداف سالانه‌ی سازمان پدافند غیرعامل هماهنگ نماید. این امر به منزله‌ی فرایندی محسوب می‌شود که قالب‌های عمومی برنامه توسعه به رویکردهای اجرایی سالیانه تعمیم پیدا می‌نماید (زیاری، ۱۳۷۹: ۱۱).

به عبارت دیگر اهداف سالانه تابعی از اهداف بلندمدت در سند راهبردی دفاع غیرعامل محسوب می‌شود. اهداف سالانه دفاع غیرعامل مربوط به فعالیت‌های جاری دستگاه‌های دولتی و نهادهای دفاعی می‌باشد. از سوی دیگر اهداف عمومی پدافند غیرعامل را می‌توان انعکاس نتیجه‌های مورد انتظار قابل اندازه‌گیری دانست که در یک دوره یک‌ساله دنبال می‌شود (Dobbs, N, 2007: 35).

اهداف سالیانه معمولاً در زمره‌ی هدف‌های کوتاه‌مدت هستند که برای رسیدن به هدف‌های بلندمدت باید به آنها دست یافت. میزان ارزیابی پیشبرد اهداف سند راهبردی در حوزه‌ی دفاع غیرعامل انعکاس فعالیتها و فرایندی محسوب می‌شود که از ویژگی‌های قابل سنجش برخوردار باشند. چنین فرایندی عموماً براساس الگوی کمی مورد محاسبه قرار می‌گیرد. محاسبه فعالیت‌های دفاع غیرعامل باید به گونه‌ای باشد که تمامی نشانه‌ها و نیروهای چالش‌گر را مورد شناسایی قرار دهد. از سوی دیگر وقتی که جلوه‌هایی از کنش نیروهای ناسازگار ظهور می‌یابد، سازمان باید با آن مقابله نماید (پورمحمدی، ۱۳۸۸: ۲۷).

این برنامه‌ها باید زمینه لازم برای تحقق هدف‌های مشخص که در چارچوب راهبردها تنظیم می‌شوند، را تبیین و پیش‌بینی نماید. معمولاً هر برنامه اجرایی خود حاوی اهداف، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های اجرایی و طرح‌های مشخص برای انجام عملیات و اقدامات اجرایی است که توسط سازمان‌های عمومی و همچنین دستگاه‌های اجرایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در روند اجرای سیاست‌های عمومی پدافند غیرعامل هریک از وزارتخانه‌ها و سازمان‌های عمومی مسئول اجرای برخی از برنامه‌های تعیین شده توسط سازمان پدافند غیرعامل خواهند شد (Chang, T. Y, Taniguchi, H. and Chen, W. F, 2010:115).

کارویژه عمومی هریک از سازمان‌های اجرایی را باید ارتقاء توان تدافعی برای حفاظت از منابع انسانی، اجتماعی و تأسیسات عمومی کشور دانست. در این فرایند، برنامه‌ریزی عمومی برای ایجاد تعهد توسط سازمان‌های اجرایی، از سوی سازمان پدافند غیرعامل تنظیم می‌شود. این امر بر اساس شکل‌بندی تهدیدات و قابلیت عمومی کشورها انجام می‌گیرد. به طور کلی می‌توان به این جمع بندی رسید که برآورد تهدید به عنوان برآیند وضعیتی در سند راهبردی پدافند غیرعامل است که عوامل محیطی مخاطره آمیز را منعکس می‌سازد (پورمحمدی، ۱۳۸۶: ۱۶).

شاخص‌های پدافند غیرعامل در روند توسعه پایدار

سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل در زمره‌ی اسنادی محسوب می‌شود که از مطلوبیت لازم برای گسترش همکاری‌های درون سازمانی برای درک برنامه‌های اجرایی برخوردار است. به طور کلی سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل را می‌توان به عنوان مجموعه‌ای توصیفی، روشن، قابل درک، الهام‌بخش، برانگیزاننده و وفاق‌آفرین دانست. به عبارت دیگر، سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل، اولویت‌های هریک از سازمان‌ها را در افق زمانی معین تعیین می‌کند. به طور کلی، سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل معطوف به تنظیم آینده‌ای مطلوب، واقع‌گرا، تحقق‌پذیر و جذاب برای شهروندان و سازمان‌های دولتی خواهد بود. در سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل، مأموریت هر سازمان به صورتی کلی به تصویر کشیده و چگونگی اجرای موفق مأموریت را در افق مورد نظر مشخص می‌کند.

در سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل، موضوع مربوط به راهبردهای اجرایی در قالب سیاست عمومی تبیین می‌شود. به این ترتیب، سیاست در سند راهبردی پدافند غیرعامل به عنوان مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری محسوب می‌شود که می‌توان براساس آن به نتایج و مطلوبیت‌های پیش‌بینی شده نایل گردید. براساس سیاست‌های پیش‌بینی شده می‌توان به تنظیم و اجرای هدف‌های سالیانه دست یافت. همچنین رهنمودها و رویه‌هایی که یک سازمان برای دست‌یابی به هدف‌های اعلام شده رعایت می‌کند، در حوزه سیاست-های راهبردی پدافند غیرعامل مورد توجه قرار می‌گیرد (پاپلی یزدی، ۱۳۸۲: ۲۹).

در سند چشم‌انداز پدافند غیرعامل، علاوه بر سیاست‌های عمومی که توسط هر سازمان به مرحله اجرا می‌رسد، می‌توان موضوعات دیگری از جمله بررسی نقاط قوت و ضعف را مورد توجه قرار داد. به طور کلی، برآورد سازمانی تهدیدات امنیتی را می‌توان در زمره‌ی موضوعات و مولفه‌هایی دانست که الگوی مقابله با تهدید از طریق پدافند غیرعامل را امکان‌پذیر می‌سازد. بررسی نقاط ضعف شامل عواملی است که سازمان آنها را ضعیف انجام می‌دهد یا توانایی انجام آنها را ندارد.

از سوی دیگر باید رابطه‌ای بین سیاست‌های عمومی سازمان پدافند غیرعامل با چگونگی تهدیدات از سوی بازیگران رقیب ایجاد نمود. نقاط ضعف به مجموعه‌ی عواملی اطلاق می‌گردد که سازمان‌های مربوطه در آن زمینه‌ها دارای آسیب‌پذیری بوده و یا این که به موجب تضعیف توان عملی سازمان در رقابت با سایر بازیگران، در اجرا و تحقق مأموریت سازمان پدافند غیرعامل از چشم‌انداز مطلوب برخوردار نمی‌باشد. در حالی که نقاط قوت مربوط به توانمندی‌هایی می‌باشد که نه تنها منجر به مزیت نسبی ایران می‌شود بلکه تهدیداتی را نیز برای سایر کشورها ایجاد می‌نماید. توازن قدرت و تهدید را می‌توان در ارتباط با حوزه‌ی کارآمدی سازمان پدافند غیرعامل مورد توجه قرار داد (Christopherson, D. G, 2006: 125).

به موازات موضوعاتی همانند نقاط ضعف و قدرت، لازم است تا موضوعات دیگری از جمله فرصت و تهدید در روند سیاستگذاری پدافند غیرعامل مورد توجه قرار گیرد. بررسی نشانه‌های ضعف در دفاع غیرعامل را می‌توان به عنوان مجموعه عوامل خارجی و داخلی دانست که بر هدف و عملکرد سیستم اثر تعیین‌کننده‌ای دارد. نشانه‌های فرصت را باید در قالب عواملی دانست که مزیت رقابتی یا مهارت (شایستگی) متمایزی برای سازمان ایجاد می‌کند (استروفسکی، ۱۳۷۸: ۱۴).

تهدیدات توسعه‌ی پایدار در پدافند غیرعامل

تنظیم هر گونه سند پدافند غیرعامل نیازمند آن است که موضوعاتی از جمله تهدیدشناسی مورد توجه قرار گیرد. به طور کلی، پدافند غیرعامل و غیرعامل براساس نشانه‌های تهدیدشناسی تنظیم می‌شود. تهدیدات، فرصتها، نقاط ضعف و نقاط قوت هر کشور، دوستان و دشمنانش نقش موثری در برنامه‌ریزی پدافند غیرعامل خواهد داشت. سند تهدیدات در هر کشوری به گونه‌ای تنظیم می‌شود که نشان می‌دهد باید از چه ابزاری در مقابله با چه نوع تهدیداتی استفاده شود (G. E. Fairlie, 2007: 61).

کشورها در شرایط جنگ و صلح نیازمند سند و برنامه حفاظت از زیرساختها می‌باشد. بنابراین سند برنامه دفاع غیرنظامی در هر کشوری به عنوان ضرورت و راهنمای کنش نظام سیاسی خواهد بود. از سوی دیگر می‌توان این موضوع را مورد توجه و تاکید قرار داد که سند تهدیدشناسی نمادی از راهکارهای تولید قدرت در برابر تهدید محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، در چنین فرایندی تامین نیازهای اساسی مردم در شرایط جنگی از طریق سند پشتیبانی عملیات مورد توجه، شناسایی و حمایت قرار می‌گیرد.

سند مدیریت بحران و دفاع غیرنظامی در حوادث جنگی نامتعارف نیز به عنوان یکی دیگر از الگوهای دفاع غیرعامل محسوب می‌شود. تنظیم چنین سندی برای جمهوری اسلامی ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در دوران دفاع مقدس، ایران با تهدید سلاح‌های شیمیایی عراق روبرو بود. بنابراین برای جلوگیری از حوادث بیولوژیک، حوادث شیمیایی، حوادث میکروبی و حوادث سایبری نیاز قابل توجهی به طرح‌ریزی دفاع غیرنظامی در حوزه‌ی منازعات نامتعارف دارد (امیری، ۱۳۹۰: ۲۹).

تهدیدات در دوران‌های مختلف زمانی با تغییر و دگرگونی روبه‌رو می‌شوند. لازم به توضیح است که به موازات افزایش قدرت تکنولوژی، تهدیدات فراروی کشورهای در حال توسعه همانند جمهوری اسلامی ایران نیز افزایش می‌یابد. تنوع و تکامل تهدیدات

به عنوان واقعیت پایان ناپذیری محسوب می شود که رابطه مستقیمی با قابلیت تکنولوژیک کشورهای رقیب و تهدیدکننده دارد. مزیت نسبی کشورهای تهدید کننده، همواره مخاطرات امنیتی گسترده تری را برای کشورهای رقیب به وجود می آورد. تنوع تهدیدات را می توان انعکاس رفتار استراتژیک کشورهایی دانست که از قدرت تکنولوژیک و مطلوبیت ابزاری بیشتری برخوردارند. تجربه جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۹۰ بیانگر آن است که قدرت های بزرگ در صدد بهره گیری از جنگ نامتعارف سایبری در برابر ایران هستند. در این ارتباط، ویروس استاکس نت و همچنین ویروس دوکو مورد توجه قرار می گیرد. هریک از دو ویروس یاد شده خسارت بسیار زیادی بر ساختار امنیتی و دفاعی ایران به جا گذاشته اند (Kotsovos, M. D, and Pavlovic, M. N, 2006:175).

تهدیدات پدافند غیرعامل در روند توسعه پایدار

برای ارتقاء قابلیت ملی کشورها، تعیین محیط سند راهبردی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. این امر مفهوم جلوه هایی از آمایش سرزمین، قدرت و دخیل نمودن جلوه های پدافندی آن محسوب می شود. سند راهبردی در سازمان دفاع ملی را می توان محیطی دانست که بر سازمان تأثیر می گذارد یا از آن تأثیر می پذیرد. لازم به توضیح است که سازمان های اجرایی کشور در تبیین فرایند دفاع غیرعامل باید تابع سیاست های تعیین شده توسط سازمان پدافند غیرعامل باشد. به عبارت دیگر، سازمان های اجرایی باید قابلیت های خود را برای ارتقاء حفاظت از تأسیسات و شهروندان در اختیار سازمان پدافند غیرعامل قرار داده و سیاست گذاری انجام شده توسط آن را مورد پذیرش قرار دهند (Wong, F. S. and Weidlinger, P, 2009: 54).

در چنین شرایطی می توان تأکید داشت که موضوع مدیریت راهبردی در سند دفاع غیرعامل معطوف به سازماندهی و بهره گیری از تمامی منابع در دسترس برای افزایش قدرت مقابله می باشد. به عبارت دیگر، مدیریت راهبردی را می توان به عنوان علم و هنر تدوین، اجرا و ارزیابی تصمیم های کلان، فراگیر و جامع یک سازمان دانست که آن را قادر می سازد تا به مطلوبیت های بلندمدت خود دست یابد. در مدیریت راهبردی سازمان دفاع غیرعامل، محیط داخلی و خارجی تبیین می شود (دانشور، ۱۳۸۱: ۹۵). محیط داخلی سند راهبردی را می توان شامل تمامی حوزه ها و موضوعاتی دانست که زمینه های لازم برای اجرای سیاست های پدافندی در داخل کشور را فراهم می سازد. به طور کلی محیط تعاملی شامل: افراد، سازمان ها، گروه ها، جوامع و مؤسساتی می شود که سازمان مستقیماً با آنها ارتباط دارد. در حالی که محیط خارجی در ارتباط با پدافند غیرعامل مربوط به حوزه های جغرافیایی و ائتلاف هایی می شود که منجر به ارتقاء توانمندی دفاعی کشورهایی همانند ایران در حوزه های منطقه ای و بین المللی می گردد. لازم به توضیح است که دو حوزه محیط داخلی و خارجی با یکدیگر پیوند می یابند. اگر چه هریک از محیط های داخلی و خارجی بر یکدیگر تأثیر به جا می گذارند، اما باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که اهداف امنیتی آنان با یکدیگر پیوند می یابد. به طور کلی می توان تأکید داشت که قاعده مسلط در تبیین محیط پدافند غیرعامل بر اساس قانون ظروف مرتبته می باشد. یعنی این که هر حوزه جغرافیایی می تواند بر محیط پیرامون خود تأثیر گذار باشد (Smith, J. L, 2008: 235).

ملزومات توسعه پایدار به سیاستگذاری پدافند غیرعامل

شاخص های تعریف دفاع غیرعامل در سند راهبردی ایران را می توان بر اساس نشانه های ساختاری، ایدئولوژیک و تحرک عملیاتی مورد توجه قرار داد. تحقق چنین اهدافی صرفاً در شرایطی امکان پذیر است که زمینه برای ایجاد وحدت رویه و هماهنگی میان تصمیم گیرندگان و مجریان تعاریف واژه های کلیدی کار گرفته شود. تحقق چنین اهدافی نیازمند آن است که علاوه بر سند، شاخص های دیگری از جمله مأموریت، محیط و الگوی مدیریت مورد توجه قرار گیرد. میزان موفقیت سازمان پدافند غیرعامل تابعی از قابلیت عمومی کشور محسوب می شود. زیرساخت های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و از جمله عوامل تقویت کننده و یا مخاطره آمیز در پدافند غیرعامل محسوب می شود. زیرساخت های پدافند غیرعامل

شامل تأسیسات فیزیکی و یا اماکن و بناهای معنوی هستند که هرگونه اختلال و یا عدم کارایی در آنها تأثیر تضعیف کننده‌ای بر شکل‌بندی‌های قدرت و امنیت ملی کشور به جا می‌گذارد.

به طور کلی باید این موضوع را مورد توجه قرار داد که زیرساخت‌های تشکیل دهنده پدافند غیرعامل روی امنیت ملی و اقتصادی و بهداشت عمومی و موجب خسارات مالی و تلفات انسانی را برای کشور فراهم می‌نماید. میزان موفقیت دفاعی و بازدارندگی کشورها را می‌توان براساس قابلیت‌های عمومی آنان در چگونگی بهره‌گیری از نشانه‌های پدافند غیرعامل مورد توجه قرار داد. کشورهایی که از قابلیت مؤثری در حوزه پدافند عامل برخوردار باشند، طبیعی است که امکان تعمیم این قابلیت‌ها که ماهیت زیرساختاری دارد، به حوزه پدافند عامل نیز وجود خواهد داشت (Ross, C. A. Jerome, E. L. and Malvern, L. E, 2005: 49)

در روند سیاستگذاری دفاعی، پدافند به مجموعه اقداماتی گفته می‌شود که مستلزم به کارگیری کلیه وسایل و امکانات و روش‌های تاکتیکی به منظور جلوگیری از ورود دشمن به حریم جغرافیایی و انهدام او می‌باشد. در این ارتباط می‌توان پدافند عامل و غیرعامل را از یکدیگر تفکیک نمود. هریک از نشانه‌های پدافند عامل را می‌توان در ابزارهای قدرت نظامی تدافعی یا تهاجمی مورد توجه قرار داد. در حالی که پدافند غیرعامل دارای ابزارها، نشانه‌ها و فرایندهای کاملاً متفاوتی در حوزه امنیت سازی و راهبردی محسوب می‌شود. در روند سیاستگذاری پدافندی به ویژه در حوزه پدافند غیرعامل باید موضوعات ذیل را مورد توجه قرار داد. هریک از این موضوعات، به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی و تأثیرگذار در برنامه‌ریزی، سیاستگذاری و اجرای اهداف مربوط به سیاست‌های پدافندی کشور محسوب می‌شود (عابدین در گوش، ۱۳۸۴: ۱۶).

مکان‌یابی پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

مکان‌یابی بخشی از ضرورت‌های تنظیم سیاستگذاری دفاعی محسوب می‌شود. به طور کلی، کشورهایی که نیاز قابل توجهی به سیاستگذاری دفاعی دارند، به موضوعات پدافندی از جمله آمایش سرزمین و مکان‌یابی توجه خاصی مبذول می‌دارند. براساس چنین رویکردی، مکان‌یابی به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که استقرار قابلیت‌های قدرت در هر کشور را امکان‌پذیر می‌سازد. براساس چنین نگرشی، مکان‌یابی به انتخاب مناسب‌ترین، بهترین و مطلوب‌ترین نقطه و محل استقرار واحدهای نظامی و غیرنظامی با انتخاب مکان مناسب، امکان کلیه فعالیت‌ها از فعالیت‌های مراکز نظامی حساس و مهم و عملیاتی اطلاق می‌گردد.

استتار پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

استتار روشی است که با استفاده از وسایل طبیعی و مصنوعی در جهت هم‌رنگ و هم‌شکل کردن تأسیسات و تجهیزات، عدم امکان کشف و شناسایی تجهیزات و تأسیسات را از دیده‌بانی، تجسس و عکس‌برداری فراهم می‌نماید. استتار یکی از شیوه‌های اصلی پدافند غیرعامل برای کاهش آسیب‌پذیری کشورها محسوب می‌شود. کشورهایی که بتوانند استتار را به گونه‌ای کامل به انجام رسانند، از قابلیت لازم برای ارتقاء توانمندی دفاعی برخوردار می‌شوند (Wong, F. S. and Wedlinger, P, 2003: 39).

اختفاء پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

اختفاء به استفاده صحیح از عوارض طبیعی و مصنوعی زمین گفته می‌شود. یکی از بهترین راهکارهای پدافند غیرعامل برای حفاظت از تجهیزات نظامی و عملیات را می‌توان بهره‌گیری از تاکتیک اختفاء دانست. به طور کلی، بهره‌گیری از این الگو را می‌توان به عنوان یکی از سازوکارهای حفظ قابلیت‌های راهبردی کشورها دانست. بهره‌گیری از تاکتیک اختفاء مانع قرار گرفتن تأسیسات و تجهیزات از دید دشمن می‌گردد. بسیاری از تجهیزات ایران در معرض تهدیدات عملیاتی دشمن هستند، به همین دلیل است که از الگوی اختفاء برای افزایش عمر ابزارهای تولید کننده قدرت ملی استفاده می‌شود (کامروا، ۱۳۸۴: ۳۵).

در شرایطی که سیستم‌های ماهواره‌ای و ابزارهای تجسسی دشمن همانند هواپیماهای بدون سرنشین آر. کیو. ۱۷۰ همواره در حوزه جغرافیایی ایران در حال پرواز می‌باشند، بنابراین طبیعتاً این که اطلاعات زیادی از تأسیسات عمومی کشور در اختیار دشمن قرار گرفته است. در چنین شرایطی بهترین الگوی حفاظت منابع راهبردی کشور بهره‌گیری از الگوی اختفاء می‌باشد. بهره‌گیری از این الگو در شرایط صلح، بحران و جنگ در زمره‌ی ضروریات راهبردی محسوب می‌شود.

پوشش پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

پوشش در زمره‌ی فرایندهایی محسوب می‌شود که قابلیت تأسیسات برای مقابله با تهدیدات را افزایش می‌دهد. به طور کلی، پوشش دارای ماهیت تکنیکی و تاکتیکی دارد. یکی از راه‌های ایجاد امنیت برای شهروندان و تأسیسات را می‌توان بهره‌گیری از قابلیت پوششی دانست. بنابراین رابطه‌ی ارگانیک بین پوشش و استتار وجود دارد. در بهره‌گیری از تکنیک پوشش برای افزایش ایمنی تأسیسات بهره‌گیری از ابزارهای استتار برای هم‌شکل‌سازی تجهیزات و ابزارهای قدرت با محیط اطراف استفاده می‌شود. بهره‌گیری از پوشش در دفاع غیرعامل را می‌توان به عنوان بهره‌گیری از امکانات طبیعی و مصنوعی دانست که نفرت، تجهیزات و تأسیسات را در برابر دید و تیر دشمن حفظ می‌نماید. پوشش یک اقدام موقتی است که در مقابل حملات هوایی، موشکی و توپخانه انجام می‌پذیرد. پوشش‌هایی از قابلیت لازم برخوردارند که اصل یکنواختی و یکپارچگی را مورد توجه قرار دهند. بدون توجه به چنین شاخص‌هایی امکان ارتقای قابلیت پدافندی در شرایط تهدیدات کاهش می‌یابد (زیاری، ۱۳۷۸: ۲۹).

تجهیزات پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

متنوع‌سازی قابلیت‌های ساختاری را می‌توان به عنوان بخشی از ضرورت‌های راهبردی دانست. دفاع و امنیت در شرایطی از مطلوبیت و کارآمدی برخوردارند که امکان دسترسی دشمن به آنان کاهش یابد. به طور کلی، پراکندگی نیرو و تجهیزات در شرایط صلح و جنگ به عنوان بخشی از قابلیت عمومی کشورها برای حفظ امکانات محسوب می‌شود. به هر میزان ابزارها و تجهیزات از انسجام و تمرکز بیشتری برخوردار باشند، امکان ضربه‌پذیری آنان افزایش می‌یابد (Loo, Y. C, and Santos, A. P, 2006:32).

به همین دلیل است که ضرورت دفاع غیرعامل ایجاب می‌کند که اقداماتی از جمله: جداسازی، گسترش و پخش نمودن و تمرکز زدایی مراکز، تأسیسات، تجهیزات و امکانات با فعالیت‌ها در فاصله مناسب به منظور تقلیل آسیب‌پذیری آنها در مقابل عملیات دشمن مورد استفاده قرار گیرد. هر یک از گزینه‌های یاد شده را می‌توان به عنوان یکی از راه‌های حفظ قابلیت‌های عمومی کشور در برابر تهدیدات مستقیم و غیرمستقیم دانست. متنوع‌سازی و پراکنده‌سازی تجهیزات، چنین قابلیت‌هایی را برای مقابله با تهدیدات به وجود می‌آورد. به طور کلی، تهدیدات عمومی کشور در شرایطی شکل می‌گیرد که امکان مقابله با فشارهای نظامی و استراتژیک محدود شود.

جابجایی پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

تحرك و جابجایی به عنوان ضرورت اجتناب‌ناپذیر دفاعی کشورها برای مقابله با تهدیدات محسوب می‌شود. به طور کلی، تحرك را می‌توان بخشی از واقعیت سیاست پدافندی در حوزه دفاع عامل و غیرعامل دانست. کشورهای که نیروی انسانی آن از قابلیت لازم برای هدایت فرایندهای دفاعی برخوردار باشند، در شرایط جنگ و صلح قادر خواهند بود تا از طریق تحرك و جابجایی موقعیت خود را تثبیت نمایند. بنابراین تحرك و جابجایی نیروهای نظامی و قابلیت‌های راهبردی را می‌توان به عنوان یکی از قابلیت‌های عمومی کشورها برای حفظ ابزار راهبردی دانست (حسن، ۱۳۸۲: ۷۱).

به هر اندازه کشوری از قابلیت لازم برای تحرك و جابجایی در دفاع عامل و غیرعامل برخوردار باشد، طبیعی است که به همان میزان از توان موثرتری برای حفظ قابلیت‌های استراتژیک خود بهره می‌گیرد. به طور کلی می‌توان این موضوع را مورد توجه قرار

داد که سیال بودن و جابه‌جایی سیستم‌ها و تجهیزات حساس و حیاتی و مهم در زمان کوتاه از نقطه‌ای به نقطه دیگر. امکان شناسایی و انهدام را توسط دشمن با مشکل مواجه می‌سازد (Isenberg, I, and Levine, H, 2005: 63).

استحکامات دفاعی پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

در اندیشه راهبردی کلازویتس، استحکامات دفاعی از اهمیت و مطلوبیت ویژه‌ای در طرح‌ریزی دفاعی و امنیتی برخوردارند. اندیشه کلازویتس ماهیت ضد نیرو، ضد استراتژی و ضد تأسیسات داشت. محور اصلی راهبردی کلازویتس را می‌توان در هدف-گیری نقاط ثقل دشمن دانست. نقاط ثقل به عنوان محور اصلی استحکامات دفاعی محسوب می‌شود. کشورهایی که از قابلیت راهبردی ویژه‌ای در ارتباط با دفاع منطقه‌ای و بین‌المللی برخوردارند، عموماً تلاش می‌کنند تا استحکامات دفاعی گسترده‌تری را ایجاد نمایند.

استحکامات دفاعی به عنوان بهترین ابزار قدرت در استراتژی تدافعی و تهاجمی محسوب می‌شود. در برابر قابلیت‌های صنعتی و راهبردی کشور را می‌توان یکی از روش‌های حفظ زیرساخت‌های قدرت در فرایند منازعه دانست. به طور کلی، احداث استحکامات در شرایطی که سودمندی لازم منجر می‌شود که از سازه‌های قوی برای دفاع در برابر نیروهای تهدیدکننده استفاده شود (شوی، ۱۳۷۵: ۹۳).

به این ترتیب استحکامات در راهبرد دفاع غیرعامل به سازه‌های اطلاق می‌گردد که جهت حفاظت تجهیزات، تأسیسات حیاتی، حساس و مهم در محل‌های مناسب ایجاد می‌گردد. هدف از ایجاد چنین تأسیساتی را می‌توان حفاظت از تهدید دانست. لازم به توضیح است که تهدید قدرت‌های بزرگ ماهیت متنوع و فراگیر دارند. بنابراین لازم است تا استحکامات با حفظ درجه حفاظتی آن سازماندهی شود. یکی دیگر از ویژگی‌های عمومی مربوط به تأسیسات را می‌توان واکنش در برابر تهدیدات پست مدرن دانست.

در دوران گذشته، استحکامات به گونه‌ای سازماندهی می‌شد که بتواند در مقابل اصابت بمب، راکت، موشک و گلوله مقاومت نموده و مانع صدمه رسیدن به نفرات، تجهیزات و تأسیسات گردد. در شرایط موجود که وزارت دفاع آمریکا از الگوی جنگ سایبری در برخورد با کشورهایی همانند ایران بهره می‌گیرد، تأسیسات باید به گونه‌ای سازماندهی شود که از قابلیت لازم برای شناسایی و ویروس‌های منهدم‌کننده دشمن نیز برخوردار باشد (Weidlinger, P, and Hinman, E, 2008: 45).

کارکرد پدافند غیرعامل در توسعه پایدار

در سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران، سازمان پدافند غیرعامل به عنوان محور اصلی تحرک سازمانی و برنامه ریزی برای ارتقاء شاخص‌های امنیت، دفاع و قدرت ملی محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، مأموریت سازمان دفاع غیرعامل را می‌توان به عنوان هدف اساسی و منحصر به فردی دانست که یک سازمان را از مؤسسات مشابه متمایز می‌سازد و دامنه عملیات آن برای حداکثرسازی قدرت ملی کشور جهت دفاع از تأسیسات، نهادها و شهروندان را تعیین می‌نماید (امیری، ۱۳۹۰: ۲۹).

سند پدافند غیرعامل در هر کشوری به عنوان راهنمای کنش راهبردی در آن کشور محسوب می‌شود. ایران در زمره واحدهایی تلقی می‌گردد که در بهمن ۱۳۴۸ سازمان دفاع غیرنظامی را زیر نظر وزارت کشور تشکیل داد. در آن مقطع زمانی موضوعاتی همانند آتش‌سوزی، نجات در بحران‌های اجتماعی، خفگی، نشت عناصر رادیواکتیو، زلزله، پناهگاه، تخلیه شهرهای بزرگ در شرایط بحران در زمره اصلی‌ترین موضوعات سازمان دفاع غیرنظامی کشور محسوب می‌شد.

در جمهوری اسلامی ایران، ضرورت توجه به موضوعات مربوط به پدافند غیرعامل اهمیت بیشتری پیدا کرد. تجربه جنگ تحمیلی، استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی و شلیک موشک به تهران را می‌توان در زمره موضوعاتی دانست که ضرورت ارتقاء موضوعات مربوط به پدافند غیرعامل در ایران را اجتناب‌ناپذیر می‌ساخت. به همین دلیل بود که هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۳۸۴/۴/۸ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱/۵۵۷۴۹ مورخ ۱۳۸۴/۳/۳۱ سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و به استناد بند (۱۱) ماده

(۱۲۱) قانون برنامه چهارم توسعه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - مصوب ۱۳۸۳ - آیین نامه اجرایی بند یاد شده را تصویب نمود:

در سند تصویب شده توسط هیات وزیران جمهوری اسلامی ایران، پدافند غیرعامل به مجموعه اقدامات غیرمسلحانه‌ای اطلاق می‌شود که موجب کاهش آسیب‌پذیری نیروی انسانی، ساختمان‌ها و تأسیسات، تجهیزات و شریان‌های کشور در مقابل عملیات خصمانه و مخرب دشمن می‌گردد. بنابراین کلیه تأسیسات زیربنایی، ساختمان‌های حساس و شریان‌های اصلی و حیاتی کشور اعم از آنکه در دست مطالعه، اجرا و یا در حال بهره‌برداری باشند و احتمال حملات نظامی دشمن علیه آنها وجود داشته باشد، سطح-بندی گردید. هر یک از سطوح دارای کار ویژه خاصی در شرایط تهدید و بحران می‌باشند.

برای اجرای ضرورت‌های پدافند غیرعامل، ساختار پدافند غیرعامل، کمیته دائمی پدافند غیرعامل و دبیرخانه دائمی پدافند غیرعامل تشکیل گردید. دبیرخانه کمیته دائمی پدافند غیرعامل مستقر در ستاد کل نیروهای مسلح خواهد بود. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور نقش هماهنگ‌کننده و پرداخت هزینه‌ها را عهده‌دار است. وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح محور اصلی هماهنگ-سازی سایر نهادها محسوب می‌شود. قرارگاه پدافند خاتم الانبیاء(ص) که مسئولیت اجرایی پدافند غیرعامل را عهده‌دار است (لیتکوهی، ۱۳۹۰: ۷۳).

حفاظت و کنترل مراکز حساس در توسعه پایدار

یکی دیگر از حوزه‌های دفاعی کشورها مربوط به کنترل مراکز مهم می‌باشد. به طور کلی، لایه‌بندی تأسیسات و مراکز امنیتی در هر کشوری براساس تقسیم بندی آن به مراکز حیاتی، مراکز حساس و مراکز مهم انجام می‌گیرد. بنابراین مراکز مهم را می‌توان سومین لایه قدرت ملی کشورها دانست. مراکز اقتصادی، نظامی و صنعتی مهم، به بخشی از قابلیت‌های عمومی کشور اطلاق می‌گردد که در زمره‌ی اجزاء قدرت ملی قرار دارند.

مراکز مهم، در اولویت بندی دفاعی کشورها از این جهت اهمیت دارند که با قابلیت و قدرت عمومی کشورها پیوند می‌یابند. علاوه بر آن، مراکز مهم در زمره مجموعه‌هایی محسوب می‌شوند که نقش موثری در تحرک ژئوپلیتیکی واحدهای سیاسی ایفا می‌نمایند. بنابراین وجود و استمرار فعالیت آنها برای بخشی کشورها از این جهت دارای اهمیت است که با آسیب یا تصرف آنها بوسیله دشمن، زمینه برای شکل‌گیری اختلال و تهدید در سایر بخش‌های امنیت ملی به وجود می‌آید (Elwi, A. E. and Hruday, T. M, 2009:141)

دومین حوزه راهبردی در فرایند پدافندی کشور را می‌توان کنترل مراکز حساس دانست. چنین اقداماتی را باید نمادی از کنترل تهدیدات دشمن علیه نهادها و تأسیساتی دانست که از قابلیت ویژه‌ای برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند. به طور کلی، مراکز حساس در زمره مجموعه‌هایی محسوب می‌شوند که برای امنیت و منافع ملی کشورها از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. می‌توان مراکز حساس را به عنوان مجموعه‌ای دانست که زمینه‌های افزایش قدرت ملی کشور در شرایط بحران را به وجود می‌آورد.

از سوی دیگر، مراکز حساس به مجموعه‌هایی اطلاق می‌شود که دارای گستره فعالیت امنیتی و راهبردی برای کشورها می‌باشند. بنابراین وجود و استمرار فعالیت آنها برای کشور از اهمیتی برخوردار است که به موجب آن زمینه‌ی تقویت نهادها و الگوهای رفتاری کشور را اجتناب ناپذیر می‌سازد. بنابراین هر گونه آسیب یا تصرف آنها بوسیله دشمن باعث بروز اختلال در بخشی از کشور می‌گردد. یکی از کارویژه‌های اصلی پدافند عامل و غیرعامل را می‌توان حفاظت مراکز حساس کشور در برابر تهدیدات دشمن دانست.

کنترل مراکز حیاتی در توسعه پایدار

مراکز حیاتی به عنوان زیربنای قدرت ملی کشورها محسوب می‌شود. به هر میزان تخریب دشمن در مراکز حیاتی واحدهای رقیب کاهش یابد، امکان بازتولید قدرت اجتناب ناپذیر خواهد بود. به طور کلی می‌توان کنترل مراکز حیاتی در پدافند غیرعامل را به عنوان یکی از راهکارهای اصلی پدافند عامل و غیرعامل دانست. بنابراین کنترل مراکز حیاتی در پدافند غیرعامل در زمره اقداماتی محسوب می‌شود که با موجودیت راهبردی این کشور رابطه مستقیم پیدا می‌کند (Dede, M, and Dobbs, N, 2010: 75). به همین دلیل است که مراکز حیاتی عمدتاً به عنوان اصلی‌ترین هدف دشمن تلقی می‌شود. اگر کشوری بتواند مراکز ثقل و همچنین مراکز حیاتی قدرت خود را کنترل نماید، در آن شرایط به موفقیت راهبردی بیشتری نایل خواهد شد. به عبارتی دیگر، مراکز حیاتی به عنوان تأسیساتی محسوب می‌شوند که وجود و استمرار فعالیت آنها برای کشور حیاتی است. بنابراین هر گونه آسیب یا تصرف آنها بوسیله دشمن باعث اختلال کلی در اداره امور کشور می‌گردد.

نتیجه‌گیری

توسعه پایدار در زمره ضرورت‌های نوسازی و کنترل ساختار اقتصادی محسوب می‌شود. جمهوری اسلامی ایران برای تداوم نیاز خود به نوسازی و توسعه اقتصادی نیازمند حفاظت از دستاوردهای توسعه پایدار از طریق سیاستگذاری پدافند غیرعامل می‌باشد. در چنین فرایندی توسعه ناپایدار از طریق سازوکارهایی همانند گسترش بنگاه‌های اقتصادی و همچنین سیاستگذاری پدافند غیرعامل حاصل می‌گردد. دفاع غیرعامل به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که مستلزم به کارگیری جنگ افزار نبوده و با اجرای آن می‌توان از وارد شدن خسارت مالی و جانی جلوگیری نمود. اقدامات دفاع غیرعامل شامل مواردی از جمله استتار[□]، اختفاء^{□□}، پوشش^{□□□}، فریب^{□□}، تفرقه و پراکندگی[□]، هشدارهای خطر^{□□} و سازماندهی استحکامات و سازه‌های امن^{□□□} برای کاهش آسیب-پذیری شهروندان و منابع عمومی یک کشور می‌شود. نقش توسعه پایدار در سیاستگذاری پدافند غیرعامل را می‌توان به شرح ذیل مورد توجه قرار داد:

- ۱- استفاده از توپوگرافی خاص برای احداث ارگها و استحکامات دفاعی همچون دیوارهای دفاعی، خندقها و مواردی از این قبیل در گذشته، بوضوح نشان می‌دهد که نیاکان ما با اصل پدافند غیرعامل آشنا بوده و بخوبی از آن بهره جستند.
- ۲- پدافند با مفهوم کلی دفع، خنثی کردن و یا کاهش تاثیر اقدامات آفندی دشمن و ممانعت از دستیابی وی به اهداف خود، بطور کلی از دو بخش پدافند عامل و غیرعامل تشکیل می‌گردد. بعلاوه نفوذپذیری احتمالی هر مانع پدافندی عامل، بکارگیری اقدامات پدافند غیرعامل در کنار پدافند عامل ضروری و اجتناب ناپذیر می‌باشد.
- ۳- راهبردهای پدافند غیرعامل کشور تعریف پدافند غیرعامل مجموعه اقدامات غیرمسلحانه که موجب افزایش بازدارندگی، کاهش آسیب پذیری، تداوم فعالیت‌های ضروری، ارتقاء پایداری ملی و تسهیل مدیریت بحران در مقابل تهدیدات و اقدامات نظامی دشمن می‌گردد.
- ۴- سازماندهی نهادهای اقتصادی که تولیدات دوگانه را در دستور کار قرار دهد، از اهمیت قابل توجهی در فرایند توسعه پایدار برخوردار است. به هر میزان که کشورها از زیرساخت‌های اقتصادی متنوع‌تری برخوردار باشند، طبیعی است که امکان سازماندهی پدافند غیرعامل براساس ضرورت‌های اقتصادی و راهبردی کشورها حاصل می‌گردد. اقتصاد سیاسی و اقتصاد توسعه بدون توجه به سازوکارهای پدافند غیرعامل نمی‌تواند از تداوم چندانی در محیط اقتصادی و سیاسی برخوردار باشد.
- ۵- کشورهایی که تجربه مؤثری در سیاستگذاری پدافند غیرعامل دارند، عموماً در زمره واحدهایی محسوب می‌شوند که نشانه‌هایی از توازن بین توسعه اقتصادی، گسترش نهادهای صنعتی با فرایندهای سیاستگذاری پدافند غیرعامل ایجاد نموده‌اند. یکی از راه‌های تداوم نوسازی را باید ارتقاء قابلیت‌هایی دانست که زمینه مقابله با تهدیدات در محیط راهبردی را از طریق سازوکارهای پدافند غیرعامل به وجود می‌آورد.

پی نوشت‌ها

- | | |
|----------------|----------------------------|
| 1. Camouflage | 5. Early avowing |
| 2. Concealment | 6. Separation & Dispersion |
| 3. Cover | 7. Protective Construction |
| 4. deception | |

منابع

۱. اصغریان جدی، احمد (۱۳۸۶). **الزامات معمارانه در دفاع غیرعامل پایدار**. تهران: مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲. امیری، انوشه (۱۳۹۰). **ساختار فضایی معماری داخلی پناهگاه‌های عمومی**. همایش علمی پژوهشی شهرسازی و معماری دفاعی، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۳. امیری، انوشه (۱۳۹۰). **ملاحظات روانشناسی در طراحی معماری داخلی پناهگاه‌های عمومی**. همایش علمی پژوهشی شهرسازی و معماری دفاعی، دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۴. استروفسکی، واتسلاف (۱۳۷۸). **شهرسازی معاصر، از نخستین سرچشمه‌ها تا منشور آتن**. ترجمه لادن اعتضادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۵. پایلی یزدی، محمد حسین (۱۳۸۲). **نظریه‌های شهر و پیرامون**. تهران: سمت.
۶. پور محمدی، محمدرضا (۱۳۸۶). **برنامه ریزی کاربری اراضی شهری**. تهران: سمت.
۶. پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۸). **برنامه ریزی مسکن**. تهران: سمت.
- حسن، مجید (۱۳۸۲). **مجموعه قوانین و مقررات شهرسازی**. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول.
۷. دانشور، تورج (۱۳۸۱). **طرح ریزی کالبدی و برنامه ریزی منطقه ای در ایران**. آذرخش، چاپ اول.
- زیاری، کرامت ... (۱۳۸۷). **اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای**. یزد: دانشگاه یزد.
- زیاری، کرامت ... (۱۳۷۹). **برنامه‌ریزی شهرهای جدید**. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۸. شوی، فرانسواز (۱۳۷۵). **شهرسازی، تخیلات و واقعیات**. ترجمه دکتر سید محسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران، موسسه انتشارات و چاپ. عابدین درگوش، سعید (۱۳۸۴). «درآمدی به اقتصاد شهری»، مرکز نشر دانشگاهی.
۹. کامروا، سیدمحمدعلی (۱۳۸۴). **مقدمه‌ای بر شهرسازی معاصر ایران**. تهران: دانشگاه تهران.
۱۰. لیتکوهی، ساناز (۱۳۹۰). **الزامات پدافند غیرعامل در طراحی پناهگاه‌ها**. همایش علمی پژوهشی شهرسازی و معماری دفاعی، تهران: دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
۱۱. موحدی‌نیا، جعفر (۱۳۸۸). **اصول و مبانی پدافند غیرعامل**. تهران: انتشارات دانشگاه صنعتی مالک اشتر.
12. Balakrishnan, S, Elwi, A. E, and Murray, D. W, (1988), **Effect of Modeling NLFE Analysis of Concrete Structures**. Journal of Structural Engineering, ASCE, V. 114, No. 7, July.
13. Chang, T. Y, Taniguchi, H. and Chen, W. F, (2010). **Nonlinear Finite Element Analysis of Reinforced Concrete Panels**. Journal of Structural Engineering. ASCE, V. 113, No. 1.
14. Christopherson, D. G, (2006). **Structural Defense**. UK Ministry of Home Security, Civil Defence Research Committee Paper RC 450.
15. Clough, R. W. and Penzien, J, (2005). **Dynamics of Structures**. McGraw-Hill Inc, New York.
16. Dede, M, and Dobbs, N, (2010). **Structures to Resist the Effects of Accidental Explosions Volume IV (Reinforced Concrete Design)**. Special Publication ARLCD-SP-84001, U. S. Army Armament Research, Development, and Engineering Center, Armament Engineering Directorate, Picatinny Arsenal, NJ, April.
17. Dobbs, N, (2007). **Structures to Resist the Effect of Accidental Explosions – Volume I (Introduction)**. Special Publication ARLCD-SP-84001, U. S. Army Armament Research, Development and Engineering Center, Armament Engineering Directorate, Picatinny Arsenal, Dover, NJ, December.
18. Elwi, A. E. and Hrudehy, T. M, (2009). **Finite Element Model for Curved Embedded Reinforcement**. Journal of Engineering Mechanics, ASCE, V. 115, No. 4, April.
19. G. E. Fairlie, (2007). **Efficient Analysis of High Explosive Air Blast in Complex Urban Geometries Using the AUTODYN-2D & 3D Hydrocodes**. Analytical and Experimental Methods, 15th International Symposium on the Military Applications of Blast and Shock, September.
20. Isenberg, I, and Levine, H, (2005). **Analysis of Reinforced Concrete Under Shock Loading**. Seminar Proceedings: Finite Element Analysis of Reinforced Concrete Structures, Tokyo, Japan, May 21-24, ASCE, New York.

21. Kotsovos, M. D, and Pavlovic, M. N, (2006). **Non-Linear Finite Element Modeling of Concrete Structures; Basic Analysis, Phenomenological Insight, and Design Implications**. Engineering Computations, V. 3, No. 3, September,.
22. Loo, Y. C, and Santos, A. P, (2006). Impact Deflection Analysis of Concrete Beams. **Journal of Structural Engineering**, ASCE, V. 112, No. 6, June.
23. "**Proceedings of the Fourth International Symposium on the Interaction of Non-Nuclear Munitions**", with Structures, Panama City Beach, FL, April 17-21, (1989).
24. Ross, C. A. Jerome, E. L. and Malvern, L. E, (2005). **Spatial and Time Variations of Loading on Buried Proceedings of the Second Symposium on the Interaction of Non-Nuclear Munitions with Structures, Panama City Beach, FL, April 15-18.**
25. Smith, J. L, (2008). **Investigation of Existing Computer Codes with Linear and Nonlinear Dynamic Capabilities**. eport J650-88-001/1411, JAYCOR, Vicksburg, MS, February,.
26. Wong, F. S. and Wedlinger, P, (2003). **Design of Underground Shelters Including Soil-Structure Interaction Effects**. Symposium Proceedings on the Interaction of Non-Nuclear Munitions with Structure, U. S. Air Force Academy, Colorado Springs, CO, May 10-13.
27. Wong, F. S. and Weidlinger, P, (2009). **Damping of Shallow-Buried Structures Due to Soil-Structure Interaction**. The Shock and Vibration Bulletin, V. 52, part 5, May.